

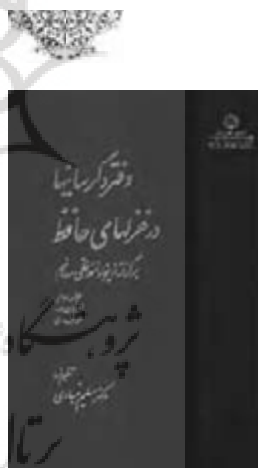
## حافظ‌شناسی - نقد ادبی

### بررسی کتاب «دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ»

۱. سخن نخستین (نقد و بررسی دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ)

دو جلد کتاب گرانقدر دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ به سال ۱۳۸۵ خورشیدی از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی چاپ و منتشر شده است که استاد فاضل محترم، آقای دکتر سلیم نیساری، این دو دفتر بسیار باارزش را تنظیم کرده‌اند. دگرسانی‌های کلمات و ابیات غزل‌های خواجه حافظ شیرازی از روی ۵۰ نسخه خطی بررسی و با دقتی قابل تحسین در جدول‌هایی ویژه ضبط شده است. بجز در موارد استثنائی، این جدول‌ها هر پژوهشگری را در حوزه تحقیق صورت الفاظ در غزل‌های حافظ، از هر جهت بی‌نیاز می‌کند. ابداع این جدول‌ها، خود یک رویداد علمی تاریخی است که افزون بر زیبایی و کمال، سهولت مراجعه و دریافت مطلب از آنها خود کاری دلنشین و لذت‌بخش است. بی‌گمان می‌توان ادعا کرد که با تألیف و نشر این دو دفتر، از نظر فراهم کردن دگرسانی‌های ۵۰ نسخه خطی، بسیاری از مشکلات مربوط به صورت و متن غزل‌ها حل می‌شود؛ به گونه‌ای که پژوهشگر احساس می‌کند تا دو قدمی چشمه‌سار شعر حافظ فرارسیده است و به چشم خود، آشکارا بسیاری از واقعیت‌های پوشیده و پنهان را از نزدیک می‌بیند. پیش از هر سخنی، این مطلب گفتنی است که نشر این دو دفتر گرانقدر هرگز از ارزش کار علمی - تحقیقی زنده‌یاد استاد دکتر پرویز ناتل خانلری نمی‌کاهد و برعکس، هرچه عمیق‌تر و علمی‌تر می‌نگریم، بر قدر و قیمت آن کار سترگ می‌افزاید؛ اگرچه بسیاری از مشکلات و مبهمات مربوط به متن و معنی غزل‌های حافظ، با نشر دفتر دگرسانی‌ها گشوده می‌گردد و بسیاری دیگر نیز باز در پرده ابهام باقی می‌ماند؛ البته

دکتر بهروز ثروتیان



- دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ (برگرفته از پنجاه نسخه خطی سده نهم) ۲ جلد
- دکتر سلیم نیساری
- چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱۳۸۵

هر دو، کلمه به کلمه و حرف به حرف، یادداشت‌نشده و آماده تقدیم به محضر علاقه‌مندان رشته حافظ‌شناسی است.

در تحقیق این امر، به سادگی می‌توان گفت که دو بیت پایانی غزل ۱۷۲ با مطلع زیر:

سمن بویان غبار غم چو بنشینند، بنشانند  
پری رویان قرار دل چو بستیزند، بستانند

کاملاً منطقی و صحیح، از سوی استاد دکتر سلیم نیساری تحقیق و به صورت زیر تنظیم شده است:

چو منصور از مراد آنان که بر دارند، بردارند  
که با این درد اگر دربند درمانند، درمانند  
درین حضرت چو مشتاقان نیاز آرند، ناز آرند  
بدین درگاه حافظ را چو می‌خوانند، می‌رانند

تحقیق و تنظیم این شکل، از روی نسخه علمی - انتقادی شادروان استاد دکتر خانلری و علامه فقید، مجتبی مینوی، غیرممکن بود و غیرممکن نیز هست (ر.ک: حافظ شیرازی، ۱۳۶۲: غ ۱۸۹، ص ۳۹۵).

و یا هر پژوهنده و علاقه‌مندی، علی‌رغم میل باطنی خود، ناگزیر و بر اساس نسخه‌ها و دست‌نوشته‌های موجود، غزل ۳۶۴ حافظ خانلری را به صورت زیر می‌پذیرفت و چاره‌ای نیز نداشت:

ما حاصل خود در سر خمخانه نهادیم  
محصول دعا در ره جانانه نهادیم

همین غزل به شماره ۳۳۹ در دفتر دگرسانی‌ها ضبط شده است و تحقیق منطقی و درست اکثر نسخه‌های اقدم و متأخر، صورت دلپذیر و معروف زیر را به اثبات می‌رساند که ذهن همه حافظ‌دوستان به خواندن آن خوگر شده است و از دیدنش در صحنه تحقیق خوشدل می‌شود:

ما درس سحر در سر میخانه نهادیم  
محصول دعا در ره جانانه نهادیم

اکنون باز تا پیدا شدن دست‌نوشته‌های خود شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (فوت ۷۹۲ هـ.ق)، ناگزیر هستیم بسیاری از شکل‌ها را به همان صورتی بپذیریم که این دفتر تصدیق می‌کند:

لنجرِ حِلْمِ تو ای کشتی توفیق، کجاست؟  
که در این بحر کرم غرق گناه آمده‌ایم

آبرو می‌رود، ای ابر خطاپوش ببار  
که به دیوان عمل نامه‌سیاه آمده‌ایم

«خطاپوش» - مضبوط ۲۵ نسخه اقدم و متأخر - را در دفتر دگرسانی‌ها بر اساس ۱۳ نسخه، «خطاشوی» نوشته‌اند. ناگفته خود پیاداست که این دو دفتر از دو جهت دیگر و دوگانه باید نقد و بررسی بشود.

**الف.** فراهم آوردن دگرسانی‌ها بر اساس ۵۰ نسخه خطی، که زحمتی طاقت‌فرسا داشته و استاد دکتر نیساری بیشترین بخش از عمر

خود را در تحقیق و تنظیم این بخش هزینه کرده است و در بررسی همه‌جانبه این کار گران‌سنگ می‌توان گفت: باغ ارم تازه و آراسته دیگری برای گردش و تماشای اهل ادب و نظر در دیوان حافظ شیراز باز کرده‌اند، که الحق دیدنی است.

هر کجا آن شاخ نرگس بشکفت  
گل‌خانش دیده نرگسدان کنند

ناگفته نماند که در همین باغ، گاهی شاخه‌ای شکسته و یا برگی پژمرده دیده می‌شود که خود مهره‌ای کبود برای چشم‌زخم مردم ناخشنود و تیره‌روان است:

روز باشد که صد شکوفه پاک  
از غبار حسد فتد بر خاک

**ب.** و اما کار دیگر این دفتر، تنظیم و تصحیح غزل‌های خواجه است، که متأسفانه قدمت و اکثریت و مخصوصاً صحت معنی ابیات و کلمات و حتی گاهی غزلیات را نادیده گرفته، غلطی مسلم را از یک یا دو نسخه متأخر در متن قرار داده‌اند که بی‌هیچ تردیدی، تحریف کاتبان پنجاه - شصت سال بعد از خواجه حافظ است:

من و سفینه حافظ، که جز در این دریا  
بضاعت سخن دلنشان نمی‌بینم

مضبوط ۲۲ نسخه اقدم و اصح نخستین را که «دلنشان» است، خط کشیده، از سه نسخه دیگر که کاتب دو نسخه آنها بی‌گمان تحریف‌گر هستند، ترکیب «درفشان» را ضبط کرده، نوشته‌اند: «بضاعت سخن درفشان نمی‌بینم!» قطعاً اگر بپرسند چرا این همه نسخه - بو، جد، کا، کهب، لو، مچ، ند، نر، سد، سو، سز، فخ، فط، پن حص حت حک تف تج تفق تب (ص ۱۱۸۴) - را ندیده‌اید؟ و چرا به ۱۲ نسخه نخستین و پیشین دیگر توجه نکرده‌اید که همه نوشته‌اند: «دلستان» (بج پد، کد، لد، ند، نط قب عد، صج صد، تحد) و «دلستان»، خود گشته قلم و شکل دیگری از «دلنشان» نه «درفشان» است که از روی «طو، خ، تل» ضبط شده است، در پاسخ قطعاً خواهند گفت: سفینه و دریا، در می‌خواهد نه دل! باید گفت پس «سخن» چه می‌خواهد؟ اینجاست که بحث از شکل‌ها و صورت‌های خیال و مخصوصاً استعاره پیش می‌آید که فصلی از این مقاله به «نقش فن بیان در تصحیح متون نظم و نثر ادبی» اختصاص یافته است.

بی‌فایده نیست که گفته شود اخیراً عزیزی در نشریه‌ای، از علا مردنی دفاع کرده بود که نوشته است:

با مدعی بگویند اسرار عشق و مستی  
تا بی‌خبر نمیرد در درد خودپرستی

من مقاله ایشان را با استدلال‌های منطقی و درست می‌خواندم و با خود می‌اندیشیدم که نویسنده مقاله نمی‌داند علا مردنی خود شاعر معاصر حافظ و کاتب زیبانویس آن عصر بوده است و با همان دلایلی که ایشان گفته‌اند، مردنی نیز به خود رخصت داده است تا - به نظر

خود - بهتر و زیباتر و کامل‌تر از خواجه بگوید؛ و علا مرندی تنها نیست و در این مدت ربع قرن سعی و اندیشه و تحقیق روی کلمات و ابیات خواجه، برای نگارنده مثل روز روشن شده است که تحریف‌گر هنرمند و شاعر و اهل قلم حریف خواجه حافظ تنها علا مرندی نبوده است؛ بلکه دلاوران و حریفان این میدان بیشتر بوده‌اند، که زورمندتر و تواناتر از همه، جعفر الحافظ، کاتب نسخه طویقا پوسرای ترکیه با علامت «ط»، طو» بوده است که حتی غزل‌ها ساخته و تخلص حافظ آورده و بیشتر از ایشان، سیدعبدالرحیم خلخالی مشهور است که به آسانی قلم برمی‌دارد و «سما» را به «سرود» بدل می‌کند و می‌نویسد:

در آسمان نه عجب گر به گفته حافظ

سرود زهره به رقص آورد مسیحا را

بیشتر از ۳۰۰ تحریف صریح خلخالی را در مقدمه متن مصحح با روش تصحیح استدلالی غزلیات حافظ آورده‌ام و این تحریفات به یک‌هزار می‌رسد که برخی با کاتب نسخه خلخالی و برخی با علی‌اکبر اصفهانی (نسخه ۸۵۷ پاریس) همخط و همراه هستند و اصطلاح «تحریف» درباره مطالبی به کار می‌رود که در هیچ‌یک از دست‌نوشته‌های پیشین دیگر یا معاصر تحریف‌گر وجود نداشته باشد. از سخن اصلی دور شدیم.

امروز دفتر دگرسانی‌ها از برکت وجود دانشمندی خستگی‌ناپذیر به نام آقای دکتر سلیم نیساری فراهم آمده است و تا دو سال پیش، هیچ‌کس از این گنج شایگان خبر نداشت و شاید از فکر کسی برنمی‌گذشت که بیت زیر، صورت غلط قضیه باشد:

خوش برآی از غصه ای دل، کاهل راز

عیش، خود در بوتۀ هجران کنند

در حالی که امروز می‌بینیم در دفتر دگرسانی‌ها صورت صحیح بیت از روی ۱۶ نسخه، به شکل خوش و درست زیر نوشته شده است:

خوش برآی از غصه ای دل، کاهل راز

عیش خوش در بوتۀ هجران کنند

با صداقت تمام باید گفت که ده‌ها چنگک شک و تردید، پس از انتشار این اثر گران‌قدر، از ابیات خواجه برداشته شده و شکل صحیح آنها با اطمینان خاطر ضبط شده است:

باده و مطرب و گل جمله مهیاست، ولی

عیش بی‌یار [مهنا] نشود، یار کجاست؟

البته در متن غزل ۱۸ دفتر دگرسانی‌ها این کلمه «مهنا» نوشته شده است و ۲۸ نسخه آقدم و متأخر نیز «مهیا» است و تنها در سه نسخه متأخر (نز، سو، لخ) «مهنا» ضبط شده است و همین کافی است؛ چون معنی کلام با «مهنا» راست می‌آید، که می‌گوید: «همه‌چیز مهیاست؛ ولی عیش بی‌حضور یار گوارا نمی‌شود» و ما می‌دانیم که خواجه یک کلمه را عیناً در دو مصراع تکرار نمی‌کند، مگر آنکه کلمه‌ای ابهام‌ساز باشد و ایجاد صنعت جناس تام بکند.

**نشر این دو دفتر گرانقدر هرگز از ارزش کار علمی - تحقیقی زنده‌یاد استاد دکتر پرویز ناتل خانلری نمی‌کاهد و برعکس، هر چه عمیق‌تر و علمی‌تر می‌نگریم، بر قدر و قیمت آن کار سترگ می‌افزاید؛ اگرچه بسیاری از مشکلات و مبهمات مربوط به متن و معنی غزل‌های حافظ، با نشر دفتر دگرسانی‌ها گشوده می‌گردد و بسیاری دیگر نیز باز در پرده ابهام باقی می‌ماند**

همچنین «می‌دمد» در بیت زیر که در نسخه زنده‌یاد دکتر خانلری شاهدهی نداشت:

می‌دمد هر کسش افسونی و معلوم نشد

که دل نازک او مایل افسانه کیست

صورت صحیح ابیات و کلماتی که پس از انتشار دفتر دگرسانی‌ها اصلاح و یا تأیید شده است، خود موضوع مقاله‌ای مفصل است و جای سپاس دارد و انکارکردنی نیست؛ لیکن مطلب به این سادگی هم نیست و مباد آنکه خواننده متن درست و نهایی دیوان حافظ با خود بیندیشد کلمه و یا بیت صحیح با مداد رنگی نوشته شده و مصحح متن و پژوهشگر دیوان خواجه، دفتر را پیش روی خود باز کرده و مشق خط نوشته است. به گفته خواجه:

از هر طرف که رفتم، جز وحشتم نیفزود

ز نهار ازین بیابان وین راه بی‌نهایت

بی‌گمان با پیدا شدن این دفتر گران‌قدر و امثال آن، حل هر مسئله‌ای به ساعت‌ها دقت و زحمت و رایزنی نیاز دارد و ای بسا صحت آن در نهایت به امضای تأیید نرسد:

با لیبی و صد هزاران خنده آمد گل، بپرس

کز کریمی گوییا در گوشه‌ای بویی شنید (غزل ۲۱۶، صورت بیت عیناً برابر مضبوط دفتر نوشته شد)

در جدول دگرسانی‌ها و در ستون مربوط به «بپرس» نوشته است: «۱/۵: آمد گل، بپرس: ۱+۱۳: ید، خ، مط نه قب عد، فح فط صبح صف صد، حص حک تک تم: آمد گل به باغ. نط: گل آمد به پیش. سد: گل آمد به باغ. تب آمد گل برون (طو، کج که ص:\*)»

یعنی در ۱۳ نسخه «بپرس» آمده است، یک نسخه این کلمه را ندارد، در ۱۵ نسخه نوشته‌اند، «آمد گل به باغ...» و در چهار نسخه رمز، این کلمه اشتباهی ضبط شده است «برس»!

## بجز در موارد استثنائی، جدول‌های کتاب هر پژوهشگری را در حوزه تحقیق صورت الفاظ در غزل‌های حافظ، از هر جهت بی‌نیاز می‌کند. ابداع این جدول‌ها، خود یک رویداد علمی تاریخی است که افزون بر زیبایی و کمال، سهولت مراجعه و دریافت مطلب از آنها خود کاری دلنشین و لذت‌بخش است

با هیچ‌یک از این شکل‌ها، معنی منطقی مقبولی برای بیت به دست نمی‌آید و شاید در مدت نیم قرن، ساعت‌ها صرف وقت و مشاوری شده و نتیجه نداده است.

گاهی نیز پس از یک روز صرف وقت نمی‌توان به حقیقت امر فتوا داد که آیا خواجه خود عرض کرده است و یا دیگران این شکل را آفریده‌اند و همچون کاتب نسخه خلخالی و یا جعفر الحافظ و یا خود شاعر هنرمند عصر ما، زنده‌یاد احمد شاملو، بر آن باور بوده‌اند که حافظ می‌توانسته زیباتر از آنچه که گفته است، بگوید:

۱. ز شعر دلکش حافظ کسی شود آگاه

که لطف نکته و سر سخنوری داند (بیت ۱۱۰ / غزل ۱۵۶ دفتر دگرسانی‌ها بر اساس ۲۱ نسخه)

۲. که لطف نظم و سخن گفتن دری داند (ک بج بد، جد، کد، نهف ۸۰۷ هـ تا ۸۵۵ هـ ق، صبح صد، قم تغ ۸۹۳ تا اوایل قرن دهم))

۳. که لطف طبع و سخن گفتن دری داند (بو، خ، سو، عد، فح، صف حک)

۴. که سر نکته و لطف سخنوری داند (یخ)

چشم‌پوشی کردن از شکل نخست، به علت کثرت نسخه‌ها (۲۱ نسخه) بسیار سخت است؛ اگرچه با دست‌نوشته خلخالی (۸۲۷، سیزدهمین نسخه تاریخی) آغاز می‌شود و کاتب این نسخه، خود از مدعیان تحریف‌گر است؛ و خط بطلان کشیدن به مضبوط هفت نسخه اقدام و استوار و قابل‌اطمینان ردیف ۲ نیز کاری آسان نیست و به سادگی نمی‌توان به صحت یکی از اشکال حکم داد.

اغلب این‌گونه دگرسانی‌ها با نسخه «طو» یا نسخه «خ» آغاز می‌شود و یکی از شیوه‌های تشخیص، افزون بر دقت در آغاز تحریف و کشف نسخه مربوط، این نکته تجربه‌شده است که از دو کلمه و دو شکل مورد نظر، یکی از آنها مهجور و نایاب و یا نایاب است که به دیگری بدل

می‌شود و عکس قضیه منطقی به نظر نمی‌آید؛ چنان که بعید به نظر می‌آید در بیت زیر، یکی «رند» را به «تشنیع» بدل بکند:

ما را به رندی افسانه کردند

پیران جاهل، شیخان گمراه

این بیت و غزل مربوط به شماره ۴۰۹، در نسخه زنده‌یاد استاد خانلری از روی ۹ نسخه خطی تصحیح و منتشر شده است؛ ولیکن در دفتر دگرسانی‌ها جزو غزل‌های محذوف است و ما از وجود اختلافات و نسخه‌بدل‌های کلمات آن در ۵۰ نسخه خطی اطلاعی در دست نداریم؛ ولیکن شادروان دکتر خانلری این بیت را از روی تنها نسخه تحریف‌گر خلخالی نوشته‌اند و در ۸ نسخه دست‌نویس دیگر به دو صورت زیر نوشته شده است، که هر چهار نسخه نسبت به خلخالی ۸۲۷ هـ ق مقدم هستند: ب، ح، ط، ک (۸۱۳: کج، ۸۲۱، کا، طو ۸۲۲، ۸۲۵ که):

ما را به تشنیع افسانه کردند

پیران جاهل، شیخان گمراه

و ظاهراً چهار نسخه نیز به شکلی دیگر تغییر داده‌اند: ه، ز، ی، م (حی ۸۱۸، تغ قرن نهم، کد ۸۲۴، لو ۸۳۶ هـ ق):

ما را به مستی افسانه کردند

پیران جاهل، شیخان گمراه

برای اهل‌ادب و کارشناس تصحیح متون ادبی بسیار آسان است که بداند هرگز کسی نمی‌آید «مستی» یا «رندی» را به «تشنیع» بدل بکند که کلمه‌ای مهجور است و غزل‌واژه نیست و مصراع دوم قرینه است بر اینکه مصراع اول جای تشنیع و ناسزاگویی است؛ چون شاعر، خود در نهایت خشم ناسزا گفته است، و گرنه خواجه حافظ خود همیشه دم از مستی و رندی می‌زند و این‌گونه افسانه کردن‌ها کار خود اوست. در هر حال، معنی تحریف و تعریف آن روشن است؛ وقتی که کلمه‌ای در هیچ نسخه دیگری نیست و تنها در یک نسخه آمده، قطعاً تحریف شده است؛ چنان که ۲۱ نسخه به اتفاق و با وحدت تمام، همه به یک شکل نوشته‌اند:

چو بشنوی سخن اهل دل، مگو که خطاست

سخن‌شناس نه‌ای دلبر، خطا اینجاست

این حشو متوسط، یعنی «دلبر» تنها در نسخه خلخالی به صورت «جان من» آمده است، که با نهایت حیرت می‌بینیم در متن دفتر دگرسانی‌ها همین تنها شکل تحریف‌شده ضبط شده است (غ ۲۰، ص ۱۶۱، بیت اول).

نظر بر اینکه با افزودن بر تعداد نسخه‌های خطی در گذشت زمان، به شماره تحریفات و مخصوصاً اضافات نیز افزوده می‌شود، از همین جهت است که در تصحیح متن دیوان خواجه حافظ بر اساس پنجاه نسخه، دقت نظر بیشتری لازم است و بی‌گمان باید پنج گروه مربوط به پنج دهه از تاریخ را در نسبت زمان کتابت امتیاز مناسب بدهیم: ۵، ۴، ۳، ۲، ۱.

۱. ت که بچ ید، س بو، حب (۸۰۷ تا ۸۱۸)، هر نسخه ۰/۵ امتیاز.  
۲. کاء، طو، کچ کد، که خ، خ (۸۲۱ تا ۸۳۷)، هر نسخه ۰/۴ امتیاز.

۳. ل ل، لو، لظ (۸۳۴ - ۸۳۹)، هر نسخه ۰/۳

۴. مج مط (۸۴۳ - ۸۴۹)، ۰/۲

۵. ند، نه ز، نح نط، قو (۸۵۴ - ۸۵۹)، ۰/۱

و این ۲۶ نسخه برای تحقیق مطمئن کافی است و باقی دست‌نوشته‌ها با یکی از این نسخه‌ها مطابقت دارند و یا خود کلمه‌ای را تغییر داده‌اند و جز آنکه تعادل کفّه ترازوی سنجش را بی‌هیچ علتی به سوی یکی از نسخه‌ها برمی‌گردانند، هیچ سودی ندارند و در حالی که نگارنده به تصحیح نهایی دیوان حافظ اشتغال داشت و چندین بار از اول تا آخر دیوان را بررسی کرده، جز در یکی دو مورد، مضبوط ۲۴ نسخه دیگر مفید فایده خاص نبوده است؛ ولیکن در تأیید متن مصحح قطعاً بر اطمینان خاطر پژوهنده افزوده‌اند.

در تحقیق تاریخی غزل‌ها نکته‌ای جالب، قابل ملاحظه است و آن اینکه خواجه حافظ پس از سرودن بیت تخلص و در واقع امضای غزل، گاهی از ممدوحی نام می‌برد که غزل خود را برای وی سروده است و یا با ذکر نام یکی از بزرگان لشکری و کشوری و یا پادشاه وقت، تاریخ نظم غزل را در پایان ثبت کرده و احياناً به دریافت صله نیز نایل آمده است. در این مورد، به نظر می‌رسد به علت بدنامی تاریخی آل مظفر و قتل‌عام آنان در ولایت ابرقو به فرمان تیمور لنگ، کاتبان دوره‌های حکومتی فرزندان تیمور در شیراز و فارس، نام بسیاری از ممدوحان آل مظفر و حتی وزیران ایشان را از آخر غزل حذف کرده‌اند و پس از گذشت ربع قرن، این اسامی، یعنی ذکر تاریخ نظم غزل‌ها در مقطع آنها، بار دیگر به جای خود بازگشته است. در دفتر دگرسانی‌ها نیز بی‌هیچ ملاحظه و مطالعه‌ای اغلب این ابیات گران‌قیمت به حاشیه رفته و غزل تاریخ خود را پس از امضای حافظ از دست داده است.

در دفتر دگرسانی‌ها اغلب در مواردی که بیت یا ابیاتی قابل اهمیت به حاشیه رفته است، برای ترتیب ابیات، نسخه‌بدل ذکر نشده تا بدانیم آن ابیات در چند نسخه بوده و یا از چند نسخه حذف شده است. ناگزیر، پژوهنده به نخستین جدول مراجعه می‌کند که ترتیب ابیات نوشته شده و نسخه‌هایی را که بیت منظور نظر از آنها حذف شده است، به حدس و گمان فراهم می‌آورد. متأسفانه در اختلاف نسخه این ابیات نیز نمی‌دانیم متن مضبوط از روی چند نسخه و کدام نسخه‌ها نوشته شده است؛ برای مثال، در بالای جدول ترتیب ابیات غزل ۱۱۲، منابع این ترتیب ذکر نشده است و بیت را از غزل بیرون کشیده، با شماره ۱۰ در حاشیه قرار داده‌اند.

بیت اضافه بر متن:

۱۰. وفا از خواجهگان شهر با من

کمال دولت و دین، بوالوفا کرد

در جدول شماره ۱، ترتیب ابیات متن - برخلاف اکثر غزل‌ها - ذکر نشده است؛ ولیکن با شمارش نسخه‌هایی که این بیت در آنها ضبط شده است، می‌توانیم به این واقعیت پی ببریم که بیت بالا تنها از دو نسخه - حب، تل - حذف شده و در نسخه طو به جای آن، بیت دیگری نوشته شده است. نظر بر اینکه غزل در ۳۴ نسخه آمده است، بنابراین ۳۲ نسخه این بیت را داشته‌اند؛ علت حذف آن معلوم نیست؛ ولیکن اهمیت بیت کاملاً آشکار است که خواجه ابوالوفا از بزرگان طریقت معرفت در شیراز بوده، شاه نعمت‌الله ولی برای دیدار با ایشان به شیراز رفته، و کوی ابوالوفا هم‌اکنون در شیراز موجود و معروف است، که بقعه و قبر آن بزرگوار نیز در همین کوی است و نکته مهم این است که در همین غزل:

سحر لبلب حکایت با صبا کرد

که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد

خواجه حافظ اشاره می‌کند که در محضر خواجه ابوالوفا به طریقت عرفان راه یافته و از آن زمان، بسیاری از اعمال و افکار وی تغییر یافته است:

گر از سلطان طمع کردم، خطا بود

ور از دلبر وفا جستم، جفا کرد

و به صراحت می‌گوید که در مجلس وی توبه کرده است:

وفا از خواجهگان شهر با من

کمال دولت و دین، بوالوفا کرد

بشارت بر به کوی می‌فروشان

که حافظ توبه از زهد ربا کرد

## ۲. شیوه گزینش

در مقدمه کتاب دگرسانی‌ها نوشته‌اند:

«در گزینش متن، سه ضابطه و ملاک در نظر گرفته می‌شود: ۱. ضبط اکثریت نسخ، ۲. ضبط اقدام و اهم نسخ، ۳. توجه به سنخ اندیشه و سبک بیان حافظ.»

به نظر می‌رسد که توجه به درستی معنی بیت بر پایه شیوه سخن و اندیشه شاعر باید اساس کار قرار گیرد و بحث از اثبات معنی درست به درازا می‌کشد و جای آن، کتاب شرح غزلیات است.

بیت چهارم از غزل ۲۸ در دفتر دگرسانی‌ها به صورت زیر نوشته شده است:

مرغ شب‌خوان را بشارت باد کاندر راه عشق

دوست را با ناله شب‌های بیداران خوش است

این بیت بر اساس رسم‌الخط قدیم ضبط شده است و به هیچ وجه معنی منطقی به دست نمی‌دهد، مگر اینکه بنویسند: دوست را با «نالهای» شب‌های بیداران خوش است؛ یعنی به مرغ حق بشارت بدهید که دوست، شب‌های بیداران و شب‌زنده‌داران را هنگامی دوست می‌دارد که با ناله‌ای همراه باشد و خدا خدا بگویند.



## نکته بسیار مهمی که در نقد ادبی و تصحیح متون فراموش گردیده است و از آن به صراحت سخن نگفته‌اند و یا اشاراتی بسیار پوشیده و مبهم بر آن داشته‌اند، «توجه به شکل‌های خیالی» یا فن بیان است، که در مواردی بسیار، اساسی‌ترین نقش را بر عهده می‌گیرد

دلا بسوز، که سوز تو کارها بکند  
نیاز نیم‌شبی رفع صد بلا بکند (غ ۱۶۷، بیت ۱)

با عنایت به جدول دگرسانی‌ها معلوم می‌شود «دلا بسوز» را از روی ۱۰ نسخه (۳ اقدم + ۷ متأخر) انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که ۲۱ نسخه (۱۱ اقدم + ۱۰ متأخر) نوشته‌اند: بساز.

با اندک تأمل معلوم می‌گردد «بساز» صحیح است و می‌گوید: ای دل، با مصیبت و سوز آن بساز و صبر کن؛ که سوز دل تو کارها می‌کند و سازش تو نتیجه‌ای خوش‌تر و بهتر خواهد داشت. و معلوم است که هرگز خواجه عارف کسی را به سوختن و بی‌تابی دعوت نمی‌کند و می‌گوید: صبر کن؛ چنان که در غزل رثاء زن خود می‌گوید:

جدا شد یار شیرینت، کنون تنها نشین ای شمع  
که حکم آسمان این است اگر سازی و گر سوزی  
چنان که در نقد و بررسی بخش مربوط به تصحیح ابیات خواهیم دید، در بسیاری از موارد، اکثریت همیشه نمی‌تواند حامل پیام درستی معنی بیت باشد؛ اگرچه در همه حال اکثریت باید مورد توجه قرار گیرد: ۷-۱۹۴. حافظ این خرقة بینداز مگر جان ببری

کاتش از خرمن سالوس کرامت برخاست

در دفتر دگرسانی‌ها از روی اکثریت نسخ، که ۱۷ نسخه است، «خرمن سالوس و کرامت» نوشته‌اند؛ در حالی که از «کرامت» آتش برنمی‌خیزد و کرامت با سالوس سازگاری ندارد. «سالوس کرامت» اضافه بیانی و یا توضیحی است؛ یعنی کرامتی که از روی ریا و سالوس است و کرامتی که بر پایه سالوس پدیدار می‌گردد. «کرامت سالوس» تنها در سه نسخه آمده است، که دو نسخه آن در فهرست ۲۶ نسخه اقدم قرار می‌گیرد (کا، کج، عد).

گاهی زیبایی کلام، مصحح متن را بی‌اختیار به سوی سلیقه شخصی می‌کشد، که واقعاً جای لغزش و احتیاط است؛ ولیکن هیچ

کاری نمی‌توان کرد؛ یعنی هرگز نمی‌توان به خاطر اکثریت، به یک شکل خوش و شاعرانه قلم کشید:

ز عطر حور بهشت آن نفس برآید بوی  
که خاک می‌کده ما عبیر جیب کند

در بیت فوق، «آن نفس» برابر ۱۳ نسخه ضبط شده است، که ۶ نسخه آن اقدم است؛ در حالی که ۲۱ نسخه «آن زمان» نوشته‌اند. «آن نفس» در دو نسخه نخستین - یج یو - از نظر ترتیب تاریخی آمده است و با عطر و بوی و عبیر و جیب مناسبت معنوی دارد. بسیار دشوار است که مصحح بتواند این امتیازات را نادیده بگیرد؛ ولیکن در دفتر دگرسانی‌ها بر اساس ۲۱ نسخه، «آن زمان» ضبط کرده‌اند و این بدان می‌ماند که یک دانه مروارید آبدار را در برابر چند مروارید خصی نادیده بگیریم که به گج سفید می‌مانند.

گاهی نیز برای رسیدن به معنی درست، برخلاف ضبط همه نسخه‌ها، از خود کلمه‌ای ساخته، در درون چنگک [شک و تردید] قرار می‌دهیم:

کشته غمزه تو شد حافظ ناشنیده‌پند

تیغ سزاست هر که را درک سخن نمی‌کند

در دفتر دگرسانی‌ها بر اساس ۳۱ نسخه، «درد سخن» آمده است؛ لیکن نگارنده به تجربه در تصحیح متن‌های نظامی گنجه‌ای، دریافته است که گاهی کاتب از کشیدن کشیده حرف «ک» غفلت می‌کند و به صورت «د» نوشته می‌شود؛ چنان که «به زیگ» در دست‌نوشته‌های لیلی و مجنون به صورت‌های «بزیگ» و «برند» و «برید» آمده بود و در نسخه‌های چاپی، ناگزیر «به کار» نوشته بودند:

زید ارچه به زیگ خویش درماند

با مجنون نیز نقش می‌خواند

در هر حال، مصحح نمی‌تواند جای کلمه‌ای را خالی بگذارد و ناگزیر باید با توجه به شکل‌های موجود، شکسته‌بندی بکند:

بر بوی آنکه در باغ، یابد گلی چو رویت

آید نسیم و هر دم گرد چمن برآید

ظاهراً «یابد گلی چو رویت» را بعداً ساخته‌اند؛ برای آنکه پنج نسخه نخستین و پیشین نوشته‌اند «یابد جلا ز رویت»، و هر کاتبی به سلیقه شخصی کلمه‌ای ساخته و به جای «جلا» نهاده است، که همانندترین آنها مضبوط نسخه لو است:

بر بوی آنکه در باغ یابد چو لاله رویت ...

چولا = چُلا = جلا [!؟]

از این جهت، طبیعی است که گاهی به هیچ وجه شکلی درست از بیت به دست نمی‌آید و تصحیح و معنی بیت، مبهم و لاینحل می‌ماند.

\* دیدی ای طایر میمون که همای آزدند؟

پیش عنقا سخن زاغ و زغن بازرسان

متن بالا بر شش نسخه مستند است (۳ اقدم). ۱۰ نسخه: «آن طایر

میمون» / ۱ نسخه: «آن طایر قدسی» / ۳ نسخه: «آن مرغ همایون» / ۱ نسخه: «گر رسی طایر میمون» / ۱ نسخه: «که هما آزدند» / نخستین نسخه: «که همای آیین است» / ۱ نسخه: «که همای آرزوست» / ۱ نسخه: «که همای آوردند» / ۱ نسخه: «که ز زاغ آزرده است» / ۵ نسخه: «همایون آثار» / و ۶ شکل دیگر که خسته کننده است. (ر.ک: ج ۲، ص ۳۴۱).

### ۳. صناعات ادبی

نکته بسیار مهمی که در نقد ادبی و تصحیح متون فراموش گردیده است و از آن به صراحت سخن نگفته‌اند و یا اشاراتی بسیار پوشیده و مبهم بر آن داشته‌اند، «توجه به شکل‌های خیالی» یا فن بیان است، که در مواردی بسیار، اساسی‌ترین نقش را بر عهده می‌گیرد. ناگزیر در آغاز این بحث به تعریف بسیار مختصر دو مطلب مجاز و استعاره اشاره‌ای می‌شود، که اغلب در کتاب‌های مرجع و حتی کتاب‌های درسی، مجاز را با استعاره به هم آمیخته‌اند:

الف. هرگاه کلمه و یا کلامی در معنی نهاده به کار نرود، کاربرد مجازی است.

ب. هرگاه چیزی به صورت چیز دیگری مجسم بشود و پیش چشم آید، کلام کاربرد استعاری دارد.

به خاطر کوتاهی سخن، برای هر دو مطلب یک مثال ذکر می‌شود: ابر می‌گیرد/ گل می‌خندد. ابر و گل، هر دو معنی نهاده خود را دارد؛ ولیکن هر دو نیز به صورت انسانی پیش چشم بوده و مجسم شده‌اند؛ پس در دو کلمه ابر و گل، شکل خیالی استعاره دیده می‌شود به لازم گریستن و خندیدن؛ و اما «می‌گیرد» و «می‌خندد» هر دو از باب مجاز است و معنی نهاده خود را ندارد؛ یعنی: می‌بارد و می‌شکفتد.

این‌گونه مجاز، که مجاز به همانندی است، را قدما «استعاره مصرّحه» نامیده‌اند و چون با استعاره (استعاره مکنیه) همراه بوده است، «استعاره تبعیه» گفته‌اند، که مجاز به همانندی است و هنگامی که با استعاره همراه می‌شود، باید مجاز پیرو گفته شود (ر.ک: فن بیان در آفرینش خیال یا بیان در شعر فارسی).

حال یکی با دیدن این جمله ادبی که: «گل می‌خندد»، احتمال دارد بگوید: این جمله غلط است و باید گفته شود، گل می‌شکفتد، یا ابر می‌بارد! و این ماجرا در کتاب متون نیز روی می‌دهد:

اهل نظر دو عالم در یک نظر بیازند

عشق است و داو اول بر نقد جان توان زد

در این بیت، به لازم باختن و داو اول و بر نقد جان زدن، اهل نظر به صورت قماربازان پیش چشم بوده‌اند (استعاره). لازم استعاره، یعنی نظر و داو اول و بر نقد جان زدن، همه از باب مجاز به همانندی و مجاز پیرو است و یا به گفته قدما، «استعاره تبعیه از نوع استعاره مصرّحه» است. در یک نظر، دقیقاً «در یک نوبت قمار» و «در یک بازی» و در نهایت «در یک ندب» معنی می‌دهد و اگر کسی یکی از این معانی، یعنی نوبت،

بازی و ندب، را به جای نظر بیاورد، دقیقاً همان کاری را کرده است که یکی «ابر می‌گیرد» را به ابر می‌بارد بدل بکنند! درباره بیت حافظ، این حادثه رخ داده است. ۶ نسخه (۲ اقدام) به جای نظر، معنی مجازی آن، «ندب»، را نوشته‌اند و این تحریف با نسخه مج (۸۴۳ هـ) آغاز می‌شود. متأسفانه در دفتر دگرسانی‌ها نیز مضبوط درست و ادبی «نظر» را در ۱۹ نسخه (۱۱ نسخه اقدام و نخستین) نادیده گرفته، بیت را به صورت زیر نوشته‌اند:

اهل نظر دو عالم در یک ندب بیازند ...

در این حال، «اهل نظر» قمارباز واقعی می‌شوند و شکل استعاره از میان می‌رود و ادبیات به زبان بدل می‌شود.

این حادثه در بسیاری از ابیات روی داده است، که نقل همه آنها در اینجا ممکن نیست.

\* مرغ عزمم که همی زد ز سر سدره صغیر

عاقبت دانه خال تو فکندش در دام

«مرغ عزم» اضافه تشبیهی است و به لازم «صغیر زدن از سر سدره»، استعاره‌ای از مرغ عرشى در آن نهاده است و «ز سر سدره» نیز معنی مجازی دارد (مجاز به همانندی)؛ یعنی از اوج آسمان‌ها و بالاترین نقطه هستی. باز همان نسخه مج (۸۴۳ هـ)، نیم قرن پس از حافظ این استعاره را تشخیص نداده و چند نسخه دیگر نیز (۷ نسخه) بعد از آن نوشته‌اند: «مرغ عرشم که همی زد ز سر سدره صغیر ...» و این شکل به متن دفتر دگرسانی‌ها نیز راه یافته و مضبوط درست ۴ نسخه نخستین - یحی حیب کد، نح - با ۳ نسخه دیگر به کنار رفته است و عدم توجه به این استعاره در یک ترکیب تشبیهی، موجب تحریفاتی گوناگون شده است: مرغ عیشم، مرغ روحم، مرغ عرم، مرغ عشقم ... (ر.ک: ص ۱۰۲۷).

عدم توجه به شکل‌های خیالی، در بسیاری از ابیات دیده می‌شود، که ناگزیر به یکی - دو مورد اشاره می‌شود:

سر به آزادگی از خلق برآرم چون سرو

گر دهد دست که دامن ز جهان درچینم

در ۳۲ نسخه اقدام و نخستین، «جهان» آمده است، که به قرینه دامن «درچیدن» به علاقه حال و محل، مجازاً به معنی مردم جهان است (مجاز مرسل). کاتب نسخه که (۸۲۵ هـ)، استعاره را از میان برده و به جای «جهان»، «خسان» نوشته است و پس از وی، ۵ نسخه دیگر نیز همین شکل را رونویسی کرده‌اند و یا خود ساخته و با خود گفته‌اند: دامن از خسان درچیدن صحیح است (مانند باریدن ابر و شکفتن گل)؛ و همین شکل نیز بدون توجه به درستی معنی بیت، در متن دفتر دگرسانی‌ها راه یافته است.

بیشترین مشکلات مربوط به صناعات ادبی، به صنعت تصحیف نقطه مربوط می‌شود، که قدما اغلب کلمات را بدون نقطه می‌نوشته‌اند و شاعران در مواردی که معنی کنایی کلمه‌ای در اشکال مختلف به یک

معنی منتهی می‌شد، از کتابت نقطه به عمد خودداری می‌کرده‌اند. نظامی گنج‌های در مخزن الاسرار دو ترکیب «بختوران» و «بخته» یا «تخته کردن» را بدون نقطه حرف اول نوشته است تا بگوید: شاعران می‌توانند پادشاهان و یا نیک‌بختان را به هر شکل که بخواهند، با سخن، تخته، یا پخته و پخته و بخته بکنند!

آنکه ترازوی سخن سخته کرد

بختوران را به سخن بخته کرد

«تختوران» و «بختوران» هر دو صحیح است.

در این مورد، امثله زیادی از دیوان خواجه حافظ یادداشت شده است، که ذکر چند مورد از آنها ضروری می‌نماید:

\* ساغر ما که حریفان دگر می‌نوشتند

ما تحمل بکنیم از تو روا می‌داری

بکنیم: ۱۹ نسخه / نکنیم: ۱۱ نسخه / دفتر دگرسانی‌ها: نکنیم (غ ۳۹۲، بیت ۴).

\* حافظ این خرقه که داری تو ببینی فردا

که چه زَنار ز زیرش به خفا بگشایند

به خفا (بدون نقطه حرف اول): ۱۸ نسخه / به جفا: ۲۰ نسخه / دفتر دگرسانی‌ها (۷/۲ - ۱۷۹): به جفا.

\* اعتمادی بنما و بگذر بهر خدا

تا بدانی که در این خرقه چه نادریشم

بدانی: ۱۳ نسخه / ندانی: ۳+۱۱ = ۱۴ نسخه / بدون نقطه: یک نسخه / دفتر دگرسانی‌ها (۷/۲ - ۳۰۱): ندانی.

#### ۴. ابیات بی‌معنی

\* تا کی کشم عتابت زان چشم دلفریبت؟

روزی کرشمه‌ای کن، ای نور هر دو دیده

برابر ۲۶ نسخه‌ی مقدم و نخستین، ترکیب «دلفریبت» صحیح است.

یکی از کاتبان نسخه‌های متأخر (بن: ۸۹۴ هـ.ق)، یک قرن پس از

خواجه حافظ، به جای این ترکیب زیبا، ترکیب «زان چشم نیم‌خوابت»

نوشته است، تا با «عتابت» قافیه‌سازی بکند. در دفتر دگرسانی‌ها بدون

توجه به بی‌معنی بودن این ترکیب در این بیت، نوشته‌اند: «تا کی کشم

عتابت زان چشم نیم‌خوابت» (۸/۱ - ۳۷۰). می‌توانستند از املا می‌مال

«عتیبت» برای قافیه‌سازی استفاده بکنند، که نکرده‌اند!

\* بنده آصف عهدم، دلم از راه میر

که اگر دم ز منم از چرخ، بخواهد کینم

در دفتر دگرسانی‌ها این بیت را به حاشیه برده‌اند و در نتیجه، از

نسخه‌هایی که به شکل بالا نوشته شده‌اند، آگاهی نداریم؛ لیکن در

پاورقی صفحه ۱۱۷۷ نوشته شده است: «دلم آزرده مکن»: ۷ نسخه /

«دلم آشفته مدار»: ۱ نسخه / «دلم آزرده مدار»: ۳ نسخه / «دلم از جای

میر»: ۱ نسخه.

ظاهراً «دلم آزرده مکن» صحیح است و «دلم از راه میر» معنی

ندارد و پریشانی نسخه‌ها نیز به همین مطلب مربوط است.

گاهی بیت‌هایی بر غزل‌ها افزوده شده است که واقعاً نامربوط است:

\* شاه را به بؤد از طاعت صدساله و زهد

قدر یک‌ساعته عمری که در او داد کند

\* به قول مطرب و ساقی، برون رفتم گه و بی‌گه

که شیخم زین ره بی‌ره خبر دشوار می‌آورد

\* در جمال تو چنان صورت چین حیران شد

که حدیثش همه‌جا بر در و دیوار بماند

\* سحر کرشمه وصلش بشارتی خوش داد

که کس همیشه گرفتار غم نخواهد ماند

\* به بزمگاه چمن دوش مست بگذشتم

چو از دهان توأم غنچه در گمان افتاد

\* زبان ناطقه در وصف شوق نالان است

چه جای کلک بریده‌زبان بیهوده‌گوست

عدم تشخیص موضوع غزل و معانی ابیات، اغلب سبب سهو خطا

می‌شود:

\* تکیه بر اختر شِگرد مکن، کاین عیار

تاج کاووس ببرد و کمر کیخسرو

«اختر شِگرد» از روی ۱۱ نسخه نوشته شده؛ در حالی که برابر

۲۶ نسخه (با ۱۱ نسخه‌ی مقدم)، «اختر شب‌دزد» صحیح است، که کنایه

است از خورشید.

در حاشیه عربی ... نوشته‌اند:

۱۱. ازین آفیون که ساقی در می‌افکند

حریفان را نه سر ماند و نه دستار

۱۲. بت چینی عدو و شیخ ما مست

دل اندر دام و میر صید غدار

۱۳. خداوندی به جای بندگان کرد

خداوندا ز آفاتش نگه دار

هر سه بیت بالا با شماره‌های متوالی ۱۱، ۱۲ و ۱۳ به حاشیه رفته

است؛ در حالی که غزل اسرارآمیز، صرفاً به خاطر بیت ۱۲ سروده شده،

که خواجه می‌خواسته است یکی از وقایع مهم شیراز در زمان حیات

خویش را شرح بدهد، و این بیت است که خواجه درباره آن می‌گوید:

بیا و حال اهل درد بشنو

به لفظ اندک و معنی بسیار

هر سه بیت باید به ترتیب در مرتبه ۶، ۱۰ و ۱۳ قرار گیرد و از

اجزای جداناشدنی غزل است.

۲/۲ - ۱۳۸: من که شب‌ها ره تقوا زده‌ام با دف و چنگ

ناگهان سر به ره آرم، چه حکایت باشد!

«ناگهان»: ۱۹ نسخه / «این زمان»: ۱۶ نسخه.

«ناگهان» مضبوط ۱۹ نسخه و حامل پیامی سخت ارجمند است



که می‌گوید: این چه حکایتی است که من شراب را انکار می‌کنم و در حالی که با دف و چنگ شب‌زنده‌داری‌ها می‌کردم، ناگهان توبه کرده، سر به اطاعت آورده‌ام؟ یعنی در این توبه ناگهانی من رازی نهفته است. بدون توجه به موضوع غزل، «این زمان» را انتخاب کرده‌اند. عدم توجه به موضوع غزل و معانی متناسب با موضوع در غزل‌های زیر، همه قابل توجه است، که فرصت نقل و نقد آن همه نیست:

۲/۱ - ۲۱۲: صبا به چشم من انداخت خاکی از کویش ...  
 «کویش»: ۱۹ نسخه / «کویت»: ۱۱ نسخه (مردود است).  
 ۲/۱ - ۱۸۲: حلقه پیر مغان از ازلم در گوش است ...  
 «از ازلم»: ۲۹ نسخه / «ازل»: ۱۳ نسخه (مردود است).  
 ۶/۱ - ۱۸۲: چشم آن شب که ز شوق تو نهد سر به لحد ...  
 «نهد»: ۲۷ نسخه / «نهم»: ۱۰ نسخه (مردود است).  
 ۶/۱ - ۲۵۶: همچو گلبرگ طری بود وجود تو لطیف  
 همچو سرو چمن خلد سراپای تو خوش

در دفتر دگرسانی‌ها «بود» را «پود» فرض کرده، در مقدمه فصلی مشبع درباره صحت «بود» نوشته‌اند؛ در حالی که «پود وجود» در این بیت و این غزل، ترکیبی بی‌معنی است و «بود وجود» یعنی هستی وجود.

ای جهان دیده بود خویش از تو  
 هیچ بودی نبوده پیش از تو (سرآغاز هفت پیکر نظامی گنجه‌ای)  
 همچنین است: «رازدار» در ۲۶ نسخه، از غزل ۴/۲ - ۴۰۰،  
 «خطاپوش» در ۲۵ نسخه، از ۶/۱ - ۶۲۵، الخ.

\* غزل ۹، بیت ۷:  
 کاتبان دیوان حافظ کلمه «آخر» (= آخور)، به ضم حرف خاء، را به کسر خاء و «آخر» خوانده‌اند؛ در نتیجه، بیت زیر به اشکال مختلف و با پریشانی تمام در نسخه‌ها ظاهر شده است:  
 هر که را خوابگه این آخر مشتی خاک است  
 گو چه حاجت که بر افلاک کشی ایوان را؟  
 نگارنده درباره این بیت مقاله‌ای با عنوان «نقش یک حرف خودآوا، در تصحیح بیتی» نوشته که در نشریه دانشکده ادبیات فردوسی مشهد چاپ و منتشر شده است. در دفتر دگرسانی‌ها بیت به صورت زیر ضبط شده است، که بی‌گمان شکل درست نیست؛ ولیکن بسیار نزدیک به سروده خواجه است:  
 هر که را خوابگه آخر به دو مشتی خاک است  
 گو چه حاجت که بر افلاک کشی ایوان را؟  
 گاهی نیز کاتبان دیوان خواجه، به گمان نادرستی ترکیبی از ترکیبات بیت، آن را تغییر داده‌اند:  
 خوابم بشد از دیده درین فکر جگرسوز  
 کاغوش که شد منزل و مأواگه خوابت؟  
 در دفتر دگرسانی‌ها به استناد چهار نسخه متأخر (قب فح سز،

فظا) نوشته‌اند: «کاغوش که شد منزل آسایش و خوابت»؛ در حالی که «مأواگه» در ۱۲ نسخه (۱۰ نسخه اقدم) آمده است و این ترکیب در نظم فارسی سابقه کاربردی دارد:

مأواگه جیفه حسودت  
 جز سینه کرکسان مبینام (خاقانی)  
 آمد عجیش که آن چنان مرد  
 مأواگه از آن خرابه چون کرد! (نظامی)

**۵. سلیقه شخصی**

یکی از عوامل اصلی سهو و خطا در دو دفتر دگرسانی‌ها اعمال نظر و سلیقه شخصی است. در مقدمه این کتاب گران‌سنگ آمده است: «لازم است تصریح شود که در متن منتخب دفتر دگرسانی‌ها در هیچ‌یک از غزل‌ها مطلقاً نه تصحیح ذوقی و نه تصحیح قیاسی اعمال نشده است و منحصراً ضبط نسخه‌های خطی منبع مورد استناد قرار گرفته است».

الحق همین قرار از آغاز تا پایان متن‌ها اجرا شده؛ ولیکن در برخی موارد - که شمار آن بیش از حد انتظار است - سلیقه شخصی موجب ترجیح برخی از نوشته‌های کاتبان متأخر بوده است؛ به گونه‌ای که گاهی مضبوط اکثریت نسخ اقدم ۲۶ گانه، یعنی نخستین دست‌خط‌های تاریخی، را نادیده گرفته، نوشته معدودی از کاتبان متأخر را در متن قرار داده‌اند.

برای فراهم آوردن امثله و شواهد مربوط به سلیقه شخصی، نیازی به مطالعه و بررسی غزل‌ها و ابیات و کلمات نیست؛ خوشبختانه با نهایت صداقت و بی‌نظری، اختلاف و نسخه‌بدل‌های یک‌یک کلمات را به صراحت در جدول دگرسانی‌ها یادداشت کرده‌اند.

غزل ۳، بیت ۱۰/۱: «در عشق کوش و»: ۲ نسخه / «در عیش کوش و»: ۲۷ نسخه.  
 هنگام تنگدستی، در عیش کوش و مستی  
 کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را  
 بی‌گمان، مضبوط ۲۷ نسخه را به سلیقه شخصی نادیده گرفته و با خود گفته‌اند «عیش» با تنگدستی راست نمی‌آید! در آن صورت، مستی را نیز می‌توانستند تغییر بدهند؛ همچنان که کاتب دو نسخه نخستین از نظر تاریخی - ک بج (۸۱۱ - ۸۱۳) - به جای «عیش» کلمه «عشق» را نوشته‌اند. عیش و مستی با تنگدستی و فراخی تناقض دارد؛ و گرنه عشق در همه حال امکان‌پذیر است و مطرح کردن تنگدستی برای آن مناسبتی ندارد.

غزل ۳ بیت ۱۱/۱: «ترکان»: ۷ نسخه / «خوبان»: ۲۶ نسخه.  
 خوبان پارسی گو بخشنندگان عمرند  
 ساقی بده بشارت پیران پارسا را  
 «خوبان پارسی گو»: عارفان از میان مردم فارسی‌زبان است و مراد، خود خواجه است که می‌خواهد بگوید اگر بیت پیشین عربی و فصیح و

زیباست (آن تلخ‌وش ...)، آن را هم من سروده‌ام؛ بروید به پیر پارسی  
من بشارت بدهید که حافظ عمر می‌بخشد.

(یادداشت: شرح و نقد ابیات موضوع کتابی است و به همین کفایت  
می‌کند)

غزل ۴، ابیات ۶ و ۷: جدول مربوط به ترتیب متن (ص ۱۰۳)  
نشان می‌دهد که این دو بیت، ساخته و پرداختهٔ کاتب نسخهٔ خلخال  
است و در هیچ‌یک از نسخه‌های ۲۶ گانهٔ قدیم تا سال ۸۵۹ هجری  
دیده نمی‌شود.

غزل ۹، بیت ۷/۱: هر که را ... به دو نسخهٔ متأخر استناد کرده‌اند  
که در پایان فصل پیشین (ابیات بی‌معنی) مطرح گردید. صحیح بیت به  
صورت زیر است:

هر که را خوابگه این آخرِ مستی خاک است ... (آخر = آخور).  
ضبط این موارد دقتی است و علاقه‌مندان می‌توانند به  
جدول دگرسانی‌ها در هر دو دفتر مراجعه بکنند. با این همه؛ نمونه‌هایی  
از آنچه یادداشت شده است، برای آگاهی اهل ادب ضبط می‌شود:

غزل ۲۳۵، بیت ۴۵/۲: «کشید سرمهٔ ناز»: یک نسخه / «سیه به  
سرمهٔ ناز»: ۳۲ نسخه.

چه فتنه بود که مشاطهٔ قضا انگیخت  
که کرد نرگس شوخس سیه به سرمهٔ ناز  
به موضوع غزل عنایتی نداشته‌اند که ظاهراً چشم یکی از بزرگان  
را میل کشیده‌اند و به احتمال زیاد، این شخصیت محمد مبارزالدین بوده  
و یا شخصیت دیگری، که کار اصلی آل مظفر دربارهٔ فرزندان و برادران  
همین بوده است. در هر حال، خواجه می‌گوید این فتنه از قضا و قدر  
الهی سرچشمه می‌گرفت که نرگس شوخ او را با سرمهٔ ناز (میل) سیاه  
کرد؛ در حالی که می‌دانیم برای کندن چشم‌ها، مفلّهٔ چشم را ساعتی  
بیشتر مالش داده، می‌کندند و میل می‌کشیدند. خواجه کنایهٔ این شکنجهٔ  
وحشیانه را به زبان ادب بیان کرده است.

در هر حال، ترجیح یک نسخه بر ۳۲ نسخه، تنها یک دلیل می‌تواند  
داشته باشد و آن سلیقهٔ شخصی است؛ وگرنه هیچ مانعی ندارد که  
مصحح بپذیرد قطعاً نکته‌ای در اکثریت مطلق نهفته است که «من»  
نمی‌دانم!

ناگفته نماند که «کرد» را به ذوق شخصی «گرد» نوشته‌اند و  
«نرگس شوخت» نیز بر اساس ۶ نسخه ضبط شده است.

غزل ۳۱۶، بیت ۹/۲: «دل‌نشان»: ۲۲ نسخه / «درفشان»: ۳  
نسخه ↑. یعنی مضبوط ۳ نسخه را انتخاب کرده‌اند!

من و سفینهٔ حافظ، که جز در این دریا  
بزاعت سخن دل‌نشان نمی‌بینم

غزل ۶۱، بیت ۲/۱: «در رخ او»: ۲۸ نسخه / «بر رخ او»: ۸  
نسخه ↑.

مردم دیده ز لطف رخ او در رخ او

عکس خود دید و گمان بُرد که مشکین خالی‌ست  
غزل ۱۳۰، بیت ۵/۱: «از آن رو پاکبازان را صفاها با می لعل  
است»: ۶ نسخه / «از آن روی است یاران را صفاها با می لعلت»: ۱۲ +  
۳ + ۲ = ۱۸ نسخه.

غزل ۱۳۷، بیت ۴/۲: «کز غمت دیدهٔ مردم همه دریا باشد»: ۲۶  
نسخه / «کز خیال تو مرا دیده چو دریا باشد»: ۳ نسخه ↑.

تا کی ای گوهر یکدانه روا خواهی داشت  
کز غمت دیدهٔ مردم همه دریا باشد؟

غزل ۱۹۴، بیت ۵/۲: «شیخ ما گفت»: ۱۸ نسخه (۱۱ اقدام) /  
«پیر ما گفت»: ۱۱ نسخه (۲ اقدام) / «شیخ فرمود»: ۴ نسخه ↑.

گر من از میکده همت طلبم، عیب مکن  
شیخ ما گفت که در صومعه همت نبُود  
در دفتر دگرسانی‌ها نوشته‌اند: «شیخ فرمود که در صومعه همت  
نبود».

غزل ۲۰۲-۴/۱: «زاهد شهر چو مهر ملک و شحنه گزید  
من اگر مهر نگاری بگزینم، چه شود؟

«زاهد شهر»: ۲۴ نسخه / دفتر دگرسانی‌ها از روی ۱۳ نسخه:  
«واعظ شهر».

غزل ۲۰۹: «ز نقش بند قضا هست امید آن حافظ  
که همچو سرو به دشت نگار باز آید

«سرو»: ۲۴ نسخه / دفتر دگرسانی‌ها از روی ۳ نسخه: «نقش».  
گاهی به نظر می‌رسد که اعمال نظر و سلیقهٔ شخصی، ناشی از  
عدم آگاهی با معنی مقصود بوده و در نتیجه، به نیتی خاص و به عمد،  
کلمه‌ای را عوض کرده‌اند:

ای نازنین پسر، تو چه مذهب گرفته‌ای  
کت خون ما حلال‌تر از شیر مادر است؟

«ای نازنین پسر»: ۳۳ نسخه (۱۵ اقدام) // «ای نازنین صنم»: ۹  
نسخه (بیت ۲، غزل ۲۶)

گر آن شیرین پسر خونم بریزد  
دلا چون شیر مادر کن حلالش

این بیت بدون استثناء در ۳۶ نسخه آمده است و آن را از متن به  
حاشیه برده‌اند و منابع ترتیب نسخه‌ها را نداده‌اند (ر. ک: غزل ۲۵۲ دفتر  
دگرسانی‌ها).

ناگزیر باید توضیح داده شود که این دو غزل به یک موضوع مربوط  
است و در هر دو نیز آن «نازنین پسر» و این «شیرین پسر» را به شیراز  
دعوت کرده است.

\* شیراز و آب رکنی و این باد خوش نسیم  
عیبش مکن، که خال رخ هفت کشور است

\* ز رکناباد ما صد لوحش الله  
 که عمر خضر می بخشد زلالش  
 میان جعفرآباد و مصلی  
 عبیرآمیز می آید شمالش  
 به شیراز آی و فیض روح قدسی  
 بخواه از مردم صاحب کمالش

بی هیچ بحثی، در یک کلام گفته می شود که پیر طریقت حافظ از دنیا رفته و جوانی خرقة ایشان را پذیرفته است که نسبت به خواجه شیراز، که خود به سال های اواخر عمر رسیده است، حکم پسر را دارد و خواجه با این همه زیبایی و ملاحظت، با آن جوان روحانی بیعت می کند و در هر دو غزل، خون خویش را بر ایشان حلال می داند؛ یعنی جان و مال من از آن ولی خداست. (ر.ک: شرح جامع غزلیات حافظ، نگاه ۱۳۸۸).  
 ناکفته نماند که در غزل مربوط به مدح شحنة نجف، حضرت امیر مؤمنان، علی (ع)، نیز دو اصطلاح پدر و پسر را به کار می برد، که اصطلاح علم فتوت است (ر.ک: فرهنگ اصطلاحات نفایس الفنون):

چند به ناز پرورم مهر بُتان سنگدل؟  
 یاد پدر نمی کنند این پسران ناخلف

بُتان سنگدل، شاهان و فرمانروایان فارس هستند، که خود از اهل طریقت و مرید المعتمد بالله در قاهره بوده اند و خواجه می فرماید این پسران سنگدل از پدر - امیر مؤمنان علی (ع) - یاد نمی کنند (ر.ک: شرح جامع غزلیات). همین دو اصطلاح را در غزل دیگری نیز به کار برده است:

در مکتب حقایق، پیش ادیب عشق  
 هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی

در غزلی گله آمیز نیز از همین جوان با عنوان کلی «این پسران» نام می برد و خود را پدر تجربه می داند؛ که غزل خود نیازمند شرح مفصل است:

پدر تجربه، ای دل، تویی، آخر ز چه روی  
 طمع مهر و وفا زین پسران می داری؟

۴/۱ - ۳۶۹: متأسفانه بر اساس همان عقیده و سلیقه شخصی، «شیرین پسران» را کنار گذاشته اند در حالی که در ۲۶ نسخه ضبط شده است، و از روی ۶ نسخه - در واقع یک نسخه اقدم: ک - به جای آن «شیرین دهنان» نوشته اند:

در هوای لب شیرین پسران چند کنی  
 جوهر روح به یاقوت مذاب آلوده؟

گاهی نیز به نظر می رسد درک معنی در بیت صحیح اقدم دشوار می نموده و کاتب شکل بیت را عوض کرده است.

ز پادشاه و گدا فارغم بحمدالله

گدای خاک در دوست پادشاه من است

«گدای خاک در دوست» یعنی آن کسی که از در دوست خاک

یکی از عوامل اصلی سهو و خطا در دو دفتر دگرسانی ها، اعمال نظر و سلیقه شخصی است. در برخی موارد سلیقه شخصی موجب ترجیح برخی از نوشته های کاتبان متأخر بوده است؛ به گونه ای که گاهی مضبوط اکثریت نسخ اقدم ۲۶ گانه، یعنی نخستین دست خط های تاریخی، را نادیده گرفته، نوشته معدودی از کاتبان متأخر را در متن قرار داده اند

می خواهد تا سرمه چشم بکند. این ترکیب در ۳۰ نسخه ضبط شده است. در دفتر دگرسانی ها از روی یک نسخه - نخستین نسخه خطی: یج - «کمین گدای در دوست» نوشته اند و هرگز در آن اندیشه نبوده اند که نخستین نسخه تاریخی نیز ممکن است خطا و سهو بکند و یا به سلیقه شخصی مطلبی را یادداشت نماید.

با همه اهمیت موضوع، گاهی به نظر می آید کار انتخاب کلمات را به دیگران سفارش داده اند و ایشان، از سر شیرین کاری و یا به شوخی تفریحی کار کرده اند:

حافظ به کوی میکده دایم به صدق دل  
 چون صوفیان صفة دارالصفاء رود

این متن از روی دو نسخه متأخر در حدود یکصد سال پس از زمان خواجه ساخته شده است. این دو نسخه عبارتند از: پن (۸۹۴) و حص (۸۹۸)؛ و گرنه چگونه ممکن است مصحح متن به ۴۱ نسخه پیش از آن در مدت یکصد سال توجهی نکند؟ و قطعاً مصحح متن خود دیده اند که در جدول مربوط به غزل ۱۹۶ (ص ۷۵۴) نوشته شده است:

۷/۲: «صُفَّه دارالصفاء»: ۲ نسخه ← متن مستند است به پن، حص/ کد، مط، نط، سو، حق، حک: «صومعه دارالصفاء»/ ۲۲ نسخه دیگر: «صومعه دار از صفا».

نگارنده هرگز نمی تواند تشخیص بدهد که عیب مضبوط ۲۲ نسخه اقدم و پیشین چه بوده است که آن را نپذیرفته اند؟

حافظ به کوی میکده دایم به صدق دل  
 چون صوفیان صومعه دار از صفا رود

یعنی: حافظ دائماً به کوی میکده به صدق دل از روی صفا و صمیمیت می رود، همچون صوفیان صومعه دار.

طبیعی است که راز آوازه آسمان گیر خواجه شیراز در همین حذف بلیغ کلام ایشان نهاده شده است و او می تواند یک کلام چهل کلمه ای

را در یک پیام بیست کلمه‌ای به خواننده بیت خود برساند. در هر حال، هرگز نمی‌توان قبول کرد که ۲۲ نسخه اقدم، قابل تعویض با دو نسخه یک قرن پس از دوران شاعر بوده باشد!

این حادثه به همین جا ختم نمی‌شود و این پرده بارها تکرار می‌شود و باورکردنی نیست:

حافظ، چو نافه سر زلفش به دست توست  
دم درکش، ار نه باد صبا را خیر شود

۲۲ نسخه: «باد صبا را خیر شود» / ۲ نسخه: «باد صبا پرده در شود» / متن دفتر دگرسانی‌ها (۱۰/۲۰ - ۲۰۱): «پرده در شود».

در بیت ۷ غزل ۱۱۱ قطعاً دلیلی قانع‌کننده داشته‌اند که مضبوط ۲۴ نسخه (۱۲ نسخه اقدم) را حذف کرده، از روی سه نسخه دورافتاده نوشته‌اند: «سحر با معجزه پهلوی نازد، فارغ باش»:

بانگ گاوای چه صدا باز دهد؟ عشوه مخر  
سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد!

در بیت ۸، غزل ۲۱۰، «شاه چون ماه» خواجه را که پیر طریقت است و زندانه معنی فرمانروا را نیز دارد تا صله‌ای بگیرد، در ۳۱ نسخه نادیده گرفته، از دو نسخه یکصد سال پس از شاعر، که فاقد ارزش است، «یار چون ماه» نوشته‌اند و این کار به هیچ‌وجه با تحقیق علمی راست نمی‌آید و جای حرف نیست که غزل برای همین سروده شده است:

آرزومند رخ شاه چو ماهم حافظ  
همتی، تا به سلامت ز درم باز آید

همین کار را در غزل ۲۱۰ نیز تکرار کرده، «مه صاحب‌قران» را در ۲۲ نسخه ناچیز شمرده، «مه نامهربان» نوشته‌اند، که ترکیبی ترانه‌ساز است. «قران» صفت مخصوص ماه و اصطلاح نجومی است؛ ولیکن «نامهربان» با ماه آسمان ارتباطی ندارد:

ای مه صاحب‌قران، از بنده حافظ یاد کن  
تا دعای دولت آن حسن روزافزون کنم

معلوم نیست نام سلطان اویس چه زبانی به شعر حافظ می‌رساند که ۳۱ نسخه خطی را خط زده، بیت را به حاشیه برده‌اند، در حالی که همین کلمه، تاریخ نظم غزل است:

۱۲-۱۴۳: من از جان بنده سلطان اویسم  
اگرچه یادش از چاکر نباشد

جای دیگر نیز بیتی را که از ۲۵ نسخه حذف شده است، به متن وارد کرده‌اند. علت این کار نیز معلوم نیست و یادآور همان تفریح شوخ‌طبعان شیرین کار است:

۳۱۲-۶: پیر مغان حکایت معقول می‌کند  
معذورم از محال تو باور نمی‌کنم

این بحث تمام‌شدنی نیست و موضوع کتابی در حدّ غزلیات خواجه است که هیچ فایده‌ای نمی‌تواند داشته باشد و همین دو شاهد کافی است تا بدانیم دو دفتر گران‌قدر و گران‌سنگ دگرسانی‌ها را این تصحیح

خداشمار می‌کند و چاره‌ای جز بازنگری و اصلاح از روی نسخه‌های تصحیح‌شده ندارد.

## ۶. نگرانی‌ها

در تطبیق مضبوط نسخه‌های دفتر دگرسانی‌ها با مضبوط نسخه‌های زنده‌یاد استاد دکتر خانلری، مطالبی دیده می‌شود که سخت نگران‌کننده است و دست پژوهشگر متن خواجه را می‌لرزاند و معلوم نمی‌شود که چه کار باید بکند! آیا واقعاً ممکن است یکی از نسخه‌برداران این دو بزرگوار کار را ساده و بی‌اهمیت تلقی بکند و در قید ضبط صحیح کلمات و ابیات و حتی ذکر نام نسخه‌ها نباشد؟! بی‌گمان همین اختلافات، خود موضوع دفتری است؛ ولیکن امروز کسی را حوصله خواندن و نوشتن و حتی شنیدن این شواهد نیست و همین کافی است که بدانند هر دو متن را باید با احتیاط بنگرند:

۶/۱-۳۵: یارب این کعبه مقصود تماشاگه کیست

که مغیلان طریقتش گل و نسیرین من است؟

«این کعبه» در متن نسخه زنده‌یاد استاد خانلری به صورت «آن کعبه» ضبط شده است (غ ۵۳، بیت ۶). در تحقیق و تطبیق دگرسانی‌ها (ص ۲۱۳) معلوم می‌شود که مضبوط پنج نسخه نخستین - بج یه، حب ت سز - در نسخه خانلری اشاره‌ای نشده است! در حالی که هر ۵ نسخه، ذیل منابع غزل ۳۵ خانلری ذکر شده است. محال است بدانیم این پنج نسخه چگونه گم شده است!

۳/۱-۵۵: من بگفتم شمه‌ای از شرع شوق خود، ولی ...

در متن نسخه خانلری، از روی ۸ نسخه «می بگفتم» آمده است (غزل ۶۳). در دفتر دگرسانی‌ها (ص ۵۵) تنها به یک نسخه ی (کد) اشاره شده و مضبوط ۷ نسخه دیگر را معلوم نیست چرا نوشته‌اند!

بیت ۸-۸۴ در دفتر دگرسانی‌ها به صورت زیر آمده است:

روان تشنه ما را به جرعه‌ای دریا  
چو می‌دهند زلال خضر ز جام جمت

ظاهراً همین بیت در غزل ۸۹ خانلری به صورت زیر ضبط شده است:

تو را ز حال دل خستگان چه غم؟ که مدام  
همی دهند شراب خضر ز جام جمت

در دفتر دگرسانی‌ها (ص ۳۷۰) به این اختلاف اشاره‌ای نشده است که در متن خانلری از روی ۶ نسخه اقدم - یج حب کا، طو، کد، که - (ب، ه ح، ط، ی، ک) نوشته‌اند!

بیت ۱۰، غزل ۱۰۳ در دفتر دگرسانی‌ها به صورت زیر ضبط شده است:

بیشان جرعه‌ای بر خاک و حال اهل شوکت بین

که از جمشید و کیخسرو فراوان داستان دارد

و در صفحه ۴۳۰ جدول دگرسانی‌ها، به صورت زیر نوشته شده است:

۱۰/۱ - «اهل شوکت بین»: ۲۶ نسخه / کد: «اهل دولت پرس» /  
خ: «اهل دل بشنو» / مج ند، نر: «اهل شوکت پرس».

همین بیت در غزل ۲۴۹ خانلری از روی ۴ نسخه ضبط شده است،  
که هر چهار نسخه نوشته‌اند: «اهل شوکت پرس» (ه ط، ک، م =  
حی طو، که ل).  
در صورت تطبیق، ملاحظه می‌شود که هیچ‌یک از این نسخه‌ها در  
دفتر دگرسانی‌ها دیده نمی‌شود.

بیت ۴، غزل ۱۱۲ دفتر دگرسانی‌ها به صورت زیر است:

نماز در خم آن ابروان محرابی

کسی کند که به خواب دل طهارت کرد

در جدول مربوط (ص ۴۶۷) آمده است: «خوناب دل»: ۱۱ نسخه /  
«خون جگر» ۷ نسخه.

همین بیت در غزل ۱۲۷ خانلری (بیت چهارم) عیناً ضبط شده،  
مگر آنکه به جای «خوناب دل»، ترکیب «خون جگر» آمده است. در  
تحقیق امر معلوم می‌شود ۵ نسخه، یعنی نسخه‌های ه، ز، ح، ط،  
ک (= بچ سز، کا، طو، که)، همه «خون جگر» نوشته‌اند؛ لیکن در  
جدول دگرسانی‌ها از این پنج نسخه اقدام خبری نیست! آیا نسخه‌برداران  
زنده‌یاد خانلری توجه نکرده‌اند، یا در دفتر دگرسانی‌ها علاقه‌مند بوده  
«خون جگر» را «خوناب دل» بخوانند؟ آنچه برای ما نگران‌کننده است،  
این مطلب می‌تواند باشد که ترکیب «خوناب دل» در لغتنامه دهخدا  
نیامده است!

این رشته نیز سر دراز دارد و خود رساله‌ای بیرون از حوصله می‌خواهد.  
بیشتر از این، کارافزایی است و غرض، ویراستاری متن غزل‌ها در دفتر  
دگرسانی‌ها نیست؛ و گرنه موارد بسیاری درباره‌ی محذوفات و اضافات ناروا  
و خوانش نادرست ابیات نوشته شده است، که اگر خدا بخواهد، مقاله‌ای  
در این بحث تنظیم می‌شود. این بررسی با نقد چسبیده‌نویسی کلمات و  
عدم رعایت رسم‌الخط فارسی بر اساس مصوبه فرهنگستان زبان و ادب  
فارسی به پایان می‌رسد.

واقعیت این است که زیبایی خط فارسی در جدانویسی کلمات  
دوچندان می‌شود و علت آن نیز روشن است؛ چون این خط را از اندام  
بدن انسان، زیباترین موجود جهان هستی، گرفته‌اند: ر، ز: دست‌ها؛ ط،  
ظ: پاها؛ ص، ض: چشم‌ها؛ س، ش: دندان‌ها؛ ب، پ: لب‌ها؛ ل: بینی؛  
الف: قد ... الخ. در تحقیق دقیق مصوبه فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
نیز سرانجام تصمیم‌گیری نهایی بر زیبانویسی و جدانویسی کلمات ختم  
می‌شود؛ بنابراین گاهی چسبیده نوشتن یکی - دو کلمه با هم، نازیبا  
می‌نماید:

۱. بهیچروی (۷/۱ - ۷۱) به جای «به هیچ روی»: حق‌گزار (۳/۲)

- (۱۳۶) به جای «حق‌گزار»: هر آنکو (۱ - ۱۰۴) به جای «هر آن  
کاو»: کاینهمه به جای «کاین همه»: ازینگونه به جای «از این گونه»  
(۶/۱ - ۱۳۹).

۲. «کاو» و «کاین» همه‌جا به صورت «کو» و «کین» نوشته  
شده است.

۳. همزه، که مخصوص کلمات عربی است، در واژگان فارسی زیبا  
نمی‌نماید: بگوئید، نوائی، گوئیا ...

۴. تشدید پیش از واو، که مطلقاً در تاریخ زبان فارسی، نه در نوشتن  
و نه در گفتن سابقه ندارد: «موئی و» (۱/۱ - ۱۰۷) باید خوانده شود  
«مویی و». مخصوصاً در فعل‌ها این تشدید نابعاست: «کردی و». هرگز  
یک فارسی‌زبان نمی‌گوید: به بازار رفتی و انار خریدی و ...

۵. در میان کلمات ابیات، اغلب حذف حرف الف از کلمه «است»  
ضرورت دارد؛ ولیکن در این متن از اول تا آخر رعایت نشده است؛  
چنان که می‌نویسند: کس زده است (۵/۲ - ۲۶۴)؛ در حالی که «کس  
زده‌ست» (مفتعلن) صحیح است.

۶. «جستجوی» و «گفتگوی» اصولاً به صورت «جست‌وجوی» و  
«گفت‌وگوی» نوشته می‌شود.

۷. اغلب «می» - به معنی شراب و باده - را با کسره نوشته‌اند.  
ضرورت دارد به لغتنامه‌ها عنایت و این قانون را رعایت فرمایند که  
هر حرف مفتوح پیش از یای ساکن، به صورت «ey» تلفظ می‌شود،  
نه ay؛ یعنی ری، دی، می، خوانده می‌شود Mey, vey, Rey، و این  
تلفظ همین امروز در زبان مردم افغانستان و تاجیکستان باقی‌مانده است؛  
«می می‌خورد» صحیح است؛ نه «می می‌خورد». از این بحث پوزش  
می‌طلبیم؛ که خود حضرت استاد حق معلمی بر همه ما دارند و هرچه  
آموخته‌ایم، از کتاب‌های عربی سلیم نیساری آموخته‌ایم؛ و السلام.

غلام همت آن نازنینم

که کار خیر بی‌روی و ریا کرد

### پی‌نوشت

۱. نگارنده خود شاهد این ماجراست؛ شاعری که به شعر داستان‌سرایی  
کرده و چاپ شده است، می‌گفت: شهریار خطاب به حیدربابا سخن  
می‌گوید. این خطاست؛ کر که گوش ندارد و حرف نمی‌شنود!؟

### کتابنامه

- نیساری، سلیم، ۱۳۸۵، دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ. چاپ اول،  
دو جلد، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.  
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۶۲ هـ.ق، دیوان حافظ. به  
تصحیح دکتر پرویز ناتل خانلری. دو جلد، تهران: خوارزمی.  
- فردوسی، علی، ۱۳۸۷، غزل‌های حافظ (نخستین نسخه یافت‌شده از  
زمان حیات شاعر، گردآوری علا مرنندی). تهران: دیبایه.  
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۷۹، غزلیات حافظ. به تصحیح  
دکتر بهروز ثروتیان. تهران: نگاه.